دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامهٔ ادیان سال ۱۷، شماره ۳۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۱۸-۲۴۶ (مقاله پژوهشی).

Journal of Religious Studies
Vol. 17, No. 33, Spring & Summer 2023

ریشه‌های آنیکونیسم در سنت و فرهنگ یهودی و بازتاب آن در دوران مدرن[۱]

فرزانه قیاسی نوعی[۲] **منصور معتمدی**[۳] **مهدی حسن‌زاده**[۴]

چکیده

«آنیکونیسم/شمایل‌پرهیزی»[۵] اصطلاحی نسبتاً جدید و برساخته در دوره‌ی مدرن است که ابتدا برای توصیف هنر یونان باستان ابداع شد ولی بعدا با هدفِ تضییع و تحقیر هنر یهودی متداول گشت. همزمان با توسعه‌ی جنبش‌های ناسیونالیستی در اروپای پس از روشنگری، مورخان هنر، به انتقاد از فقدان هنر بصری و شمایلی در فرهنگ یهود با استناد به اصل الاهیاتیِ ممنوعیت تصویر در فرمان دوم پرداختند. پژوهش‌های بعدی و شواهد باستان‌شناختی نشان داد که موضع یهودیان در ادوار مختلف نسبت به این ممنوعیت یکسان نبوده است و آنها در برخی زمانها به فراخور شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، از آنیکونیسم در راستای تضمین وحدانیتِ یهوه، بهره برده‌اند. این مقاله ضمن بررسی ریشه‌های آنیکونیسم در فرهنگ و سنت یهودی، بیان می‌دارد که اگرچه با آغاز دوران مدرن، فرمان دوم، عامل معرفیِ یهودیت به‌عنوان دینی آنیکونیک (یعنی عاری از هرگونه تصویر فیگوراتیو، اعم از نقاشی یا مجسمه) به جهان بود، اما خود به‌نوعی زیربنای زیبایی‌شناسی یهودی نیز قرار گرفت. چنانکه در یهودیت مدرن و پساهولوکاستی، تجدیدنظر خاصی نسبت به فرمان دوم وجود دارد که زبان الهیات را برای توصیف خدا با مفاهیم منحصربه‌فرد تاریخی و غیرقابل‌بازنمایی ترکیب می‌کند.

کلیدواژه‌ها

آنیکونیسم، فرمان دوم، یهودیت مدرن، هنر انتزاعی، بازنمایی هولوکاست.

---

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

۲. دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران Fa.qiyasinoei@mail.um.ac.ir
۳. دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). motamedi@um.ac.ir
۴. دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. hasanzadeh@um.ac.ir

5. Aniconism.

مقدمه

آنیکونیسم را می‌توان فقدان هر گونه نمایش مادی، دو یا سه بعدی از موجودات زنده (انسان، گل، جانوران)، الهی یا ترکیبی تعریف کرد.[1] این واژه به‌عنوان مترادف برای اصطلاح فرمان دوم از ده فرمان به‌کار می‌رود که بر ممنوعیت ساخت و استفاده از تصاویر خدا و حتا سایر موجودات زنده تأکید دارد و یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات در کتاب مقدس عبری است. در طول تاریخ مناقشات «شمایل‌شکنی»[2] در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، مفروضات تکراری خاصی در مورد ماهیت تصاویر شکل گرفته است، مبنی بر این‌که آنها به‌نحوی با چیزی که نشان می‌دهند ادغام می‌شوند. یعنی تصاویر بیننده را وسوسه می‌کنند تا با آنچه نشان می‌دهند، یکی شوند. بنابراین در مورد ایجاد تصویر خدا احتمال این خطر وجود دارد که انسان آنقدر مجذوب آن شود که در نهایت به پرستش آن تصویر بپردازد (بت‌پرستی) و فراموش کند که آن تصویر، صرفا نمایشی از خداست.[3] به‌این ترتیب طرفداران آنیکونیسمِ یهودی وجود سنت‌های اصیل یهودی در نقاشی، مجسمه‌سازی و معماری را با این استدلال که هر نوع شکل بصری (چه رسد به شکل انسان[4] یا حیوان[5] و یا ترکیبی از این دو حالت)، برای بازنمایی مناسب از خدا یا حتا واسطه‌ای از حضور او ناکافی و نارسا است، منکر شدند. این آموزه در کنار یک آموزه‌ی دیگر، یعنی انتقال خواست و اراده‌ی الهی به رسولان توسط کلام، اساس محکم‌تری یافت و این دو را به پایه‌های هرمِ یک الهیات توحیدی تبدیل کرد. این‌گونه بود که فرهنگ و هنر یهودی برخلاف سایر فرهنگ‌ها، فاقد جنبه‌های بصری و تجسمی چشم‌گیر ارزیابی شد.

1. Berlejung, Angelika, "Aniconism", *Encyclopedia of the Bible and Its Reception*, Berlin/New York, 2009, p.1210.
2. iconoclasm.
3. Adler, Amy, "The First Amendment and the Second Commandment", *57 N.Y.L. Sch. L. Rev*. 41, 2013, pp.43-44.
4. Anthropomorphic.
5. Theriomorphic.

ایـن بحـث کـه از قـرن نـوزدهم بـا توسـعه‌ی مطالعـات تـاریخ هنـر و در راسـتای جنبش‌هـای ملی‌گرایانـه در اروپـا آغـاز گردیـد، موضـوع شـمایل‌پرهیزی یهـودی را با شـدت هـر چـه تمـام‌تر در گفتمـان هنـر مـدرن مطـرح کـرد و بـه رویکردهـایی اعـم از مثبـت و منفـی در ایـن بـاره منجـر گشـت تـا آنجـا کـه بـه‌زعم برخـی بـه زمینـه‌ای بـرای روی‌کـار آمـدن هنـر انتزاعـی قـرن بیسـتم تبـدیل شـد. جهـت ورود بـه بحـث ابتدا به‌تعریف برخی اصطلاحات می‌پردازیم.

شمایل، شمایل‌نگاری و شمایل‌شناسی

اصطلاح «شمایل/ آیکون[1] » امروزه گستره‌ی وسـیعی از اشـکال -از شـمایل عیسـا و قدیسان تا تصویر موجود در زمینـه‌ی رایانـه هـا و گوشـی‌های همـراه - را دربرمی‌گیـرد. برخی فرهنگ‌های لغت، تصاویر یا نمادهای سنتی یا متعارفِ مـرتبط بـا یـک موضـوع و به‌ویژه یک موضوع مذهبی یـا افسـانه‌ای را ذیـل مـدخل آیکـون دسـته‌بندی کرده‌انـد.[2] آیکون بـر نحـوه‌ای از شـباهت دلالـت دارد، چنانکـه در نشانه‌شناسـی پیرسـی، نشـانه‌ای است که ابژه یا مـورد ادراک خـود را بـر پایـه‌ی شـباهت بـا آن ماننـد یـک تصـویر، یـا امری انتزاعی‌تر مانند یـک نمـودار، یـا حتـا بـه‌عنوان یـک اسـتعاره‌ی مفهـومی در زبـان نشـان می‌دهـد. از ایـن منظـر، بسـیاری از مـواردی کـه آنیکونیـک نامگـذاری شـده، در واقـع نمادین‌انـد و اگرچـه شـبیه خـدایان یـا اشـخاص مقـدس بـه‌نظر نمی‌آینـد ولـی به این معنا نیست که آنها از ویژگی‌های بصـری نمـادین تهـی هسـتند.[3] پـس بایـد توجـه داشت کـه میـان «آنیکونیسـم» کـه پرهیـز از هرگونـه شـمایل بصـری و مـادی انسـان‌وار را ترویج می‌کند، با «آنیکونیسم» مبنی بـر عبادت‌هـای آنیکونیـکِ غیرانسـان‌وار تفـاوت وجود دارد.[4]

---

1. Icon.
2. Webster, Merriam, *Elementary dictionary*, Boston Public Library, 2009, P.337.
3. Aktor,Mikael,'Aniconicity and Aniconism',*The Bloomsbury handbook of The Cultural and Cognitive Aesthetics of Religion*, London, NewYork, Bloomsbury Publishing Plc, 2020, p.101.
4. Ibid :p.105.

شمایل‌نگاری[1] توصیف یک تصویر است و به ویژگی‌ها، نقوش و موضوعات منفرد در ترکیب‌بندی‌های تصویری و نیز همبستگی و شناسایی آن‌ها با مضامین و طرح‌های شناخته شده از ادبیات، اساطیر و غیره اشاره دارد. وظیفه‌ی شمایل‌نگاری جمع‌آوری و ایجاد مجموعه‌ای از نقوش بصری در یک مکان یا منطقه، در دوره‌ای مشخص است. بنابراین موضوعات را طبقه‌بندی کرده و چگونگی تکامل آنها را در طول زمان بررسی می‌کند.[2]

واژه‌ی متداول دیگر دراین‌باره شمایل‌شناسی[3] است که می‌توان آن‌را مطالعه‌ی انتقادی و تفسیر فرآیندهای تاریخی از طریق تصاویر بصری تعریف کرد.[4] شمایل‌شناسی، تصاویر را با درنظرگرفتنِ معانی آنها و ایدئولوژی‌هایی که در یک جامعه‌ی خاص ایجاد می‌کنند مورد تحلیل قرار می‌دهد. اینکه چرا و به چه هدفی آن جامعه (یا محیطی خاص، به‌عنوان مثال، یک پادشاه و دربارش، بازرگانان، یا جامعه‌ای از صنعتگران) این یا آن نقش شمایل‌نگاری را انتخاب و در هر زمان از آنها حمایت می‌کند.[5]

چنان‌که می‌دانیم نظریه‌های هنر، زبان و ذهن با مفاهیم سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباط جدی دارد و تصویر، در این میان یکی از رابطه‌های اصلی به‌حساب می‌آید.[6] بنابراین شمایل‌شناسی به‌نوعی روانشناسی سیاسی نمادها، مطالعه‌ی شمایل‌هراسی،[7] شمایل‌گرایی و نزاع بین شمایل‌شکنی و بت‌پرستی است[8] و به تحلیل زمینه‌های ایجاد یک شمایل یا گرایش به آن می‌پردازد.

1. Iconography.
2. Uehlinger, Christoph,'Visual culture and Religion in Ancient Israel and Judah' *The Anceint Israelite World*, Routledge, 2022, p.435 ؛ Nagelsmit, Eelco & Carile, Maria Cristina, "Iconioraphy, Iconology" *Encyclopedia of the Bible and Its Reception, Berlin*: De Gruyter. 2015, p.778.
3. Iconology.
4. Ibid, p.779.
5. Uehlinger,*Visual culture and Religion in Ancient Israel and Judah*, p.435.
6. Mitchell,W.J.Thomas, *Iconology: Image. Text, Ideology*, Univerdity of Chicago, 1986, p.1.
7. Iconophobia.
8. Ibid, p.10.

۱. آنیکونیسم یهودی در دوران پیشا-مدرن

۱-۱. زمینه‌های الهیاتی

۱-۱-۱. فرمان دوم

آنیکونیسم به این موضوع اشاره می‌کند که برخی فرهنگ‌ها - معمولاً فرهنگ‌های توحیدی یا بدوی - اصلاً تصویر، یا تصویر مثالی، و یا درواقع هیچ تصویری از «خدا» ندارند.[1]

سنگِ بنای آنیکونیسم در یهودیت، فرمان دوم در سفر خروج(۲۰: ۴) و سفر تثنیه(۵: ۸) است. ممنوعیت فرمان دوم، در مورد تصاویر حک شده، در میانه‌ی ماجرای گوساله‌ی طلایی به موسی ابلاغ شد(خروج ۳۲: ۳۵-۱). گاتمن[2] به ارتباط مستقیم بین شیوه‌ی زندگی انسان و عقایدش درباره‌ی خدا توجه می‌دهد و به بررسی سبک زندگی بنی‌اسرائیل در دوران اولیه می‌پردازد. بر این اساس، محیط و شیوه‌ی زندگی یهوه، خدای عبرانیان در بیابان تا حد زیادی به‌عنوان یک رهبر قبیله شناخته می‌شد که قوم خود را همراهی می‌کرد تا از آنها محافظت کند. خانه‌ی او همانجا بود که قبیله بود. و با اینکه او را به‌صورت انسان تصور می‌کردند(خروج ۳۳: ۲۳؛ ۲۴: ۱۱)، لیکن همواره در ابر پنهان بود(خروج ۳۳: ۹). به گفته‌ی گاتمن، با درک ممنوعیت فرمان دوم در چارچوب یک تجربه‌ی نیمه‌عشایری، که اشکال آن حتی در محیط یکجانشینیِ بعدی (دوران تثنیه) نیز ادامه داشت، این نتیجه حاصل می‌آید: «خدا، اگرچه در قالب انسان تصور شد، اما در ابر، نامرئی باقی ماند و نمی‌توان او را به صورت بصری در شرایط فیزیکی به تصویر کشید».

بنابراین، هدف از قانون منع تصویر، تضمین وفاداری به یهوهٔ نامرئی و جلوگیری از ایجاد بت یا پذیرفتن بت‌های بسیاری از فرهنگ‌های یکجانشین بوده که بنی‌اسرائیل در طول اقامت در صحرا با آن‌ها در تماس بوده‌اند.[3] همین مفهوم غیبی و نادیدنی، اتفاقاً

1. Bland, Kalman P., *The Artless Jew: Medieval and Modern Affirmations and Denials of the Visual*, Princeton University press, 2000, p. 3.

2. Gutmann.

3. Gutmann, Joseph,‘ “Second Commendment” and The Image in Judaism’, *Hebrew Union College Annual*, 1961, Vol.32, p.162-163.

امکان تصورات بیشتری از تجسم در مورد خدا را فراهم می‌سازد، چنانچه پژوهش‌های انتقادی اخیر کتاب مقدس نیز تنوع زیادی درباره‌ی انواع و اقسام تصورات باستانی اسرائیل از خدا را نشان می‌دهد.[1]

۲-۱-۱. بازنمایی[2]

در مورد انحاء ارتباط میان خدایان و نمادهایشان دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. در همه‌ی این دیدگاه‌ها نمادها به‌عنوان بازنمایی مطرح شده‌اند. از این‌رو به آنها «بازنمایی‌های نمادین» می‌گویند. بازنماییِ نمادین، در مقابلِ «بازنمایی کلامی» که در کتاب مقدس می‌توان سراغ گرفت، عمدتا مادی و بصری است. بازنمایی بصری از دو منظر قابل بررسی است: اول اینکه تصورات اشتباهی از خدا ایجاد می‌کند، بنابراین الزام ممنوعیت تصویر خدا را به‌وجود می‌آورد. دوم این‌که ممکن است باعث خطای مشابهت و در نتیجه جایگزینی شود.[3] چون از آن برای نشان‌دادن یک امر نادیده استفاده می‌شود و این خطر وجود دارد که به چیزی تبدیل شود که نشان می‌دهد و در واقع جایگزین موضوع اصلی شود.[4] در مورد خدا نیز همین‌طور است. خدا واقعاً یک تصویر دارد، اما هیچ شخصی آن را ندیده و این خطر وجود دارد که هر گونه ارائه‌ی نمایشی از آن اشتباه باشد. حتا اگر به‌فرض محال کسی به‌طور تصادفی تصویر خدا را ببیند، مجاز نخواهد بود که آن را بازنمایی کند. زیرا همان‌طور که ارزش یک اثر هنری در صورت بازتولید مکرر آن کاهش می‌یابد، خداوند نیز در فرآیند بازنمایی، منحصربه‌فرد بودن خود را از دست می‌دهد. به‌زعم هالبرتال و مارگالیت، یکی از دلایل اقتدار و شکوه خدا برای پرستندگانش، همین نادیدنی‌بودن اوست. بنابراین آنها مبنای ممنوعیت تصویر در فرمان دوم را مبارزه با بازنمایی‌های اشتباه یا نامناسب می‌دانند که می‌تواند

1. Solomon, Norman,'Attenuation of God in Modern Jewish Thought', *Melila*, 2015, No. 12, p. 97.
2. Representation.
3. Halbertal, M & Margalit, A, *Idolatry*,Translated from Hebrew by Naomi Goldblum, Harvard University Press, 1992, p.66.
4. Meyer, Brigit, Stordalen, Terje,"Introduction"*Figurations and Sensations of the Unseen in Judaism, Christianity and Islam*, London,Bloomsbury Academic, 2020, p. 5.

به‌آسانی در نمادها و بازنمایی‌های مبتنی بر شباهت رخ دهد و منجر به جایگزینی شود.[1] به‌نظر می‌رسد تنوع تصورات باستانی از خدا را - که در کتاب مقدس به‌وفور وجود دارد - باید در زمره‌ی بازنمایی‌های کلامی دسته‌بندی کرد. این‌گونه بازنمایی‌ها، نه تنها نهی نمی‌شوند، حتا تشویق هم می‌شوند؛ با این استدلال که سردرگمی بالقوه بین بازنمایی و نمونه‌ی اولیه، منحصر به بازنمایی تصویری است و این در زبان رخ نمی‌دهد.[2] قابلیت اشتباه‌گرفتن تصویرِ نمادین با شیء‌ای که نشان‌دهنده‌ی آن است می‌تواند یک نقص عجیب انسانی باشد، اما بر تأثیرگذاریِ تصاویر بر ذهن تأکید می‌کند. مسلما تصاویر می‌توانند قدرت چیزی را که به تصویر می‌کشند، با محو شدن تمایز بین نماد و امر نمادین القاء کنند، چیزی که در **بت‌پرستی** بسیار رایج است.

۳-۱-۱. بت‌پرستی[3]

پرداختن به بت‌پرستی، از این جهت که نکوهش آن، به‌لحاظ الهیاتی شکل‌دهنده‌ی نگرش یهودیان به هنر بصری بوده[4] اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بت‌پرستی در عهد عتیق را می‌توان هم پرستش تصاویر و هم پرستش خدایان بیگانه در نظر گرفت. نهی از بت‌پرستی نه تنها مستلزم ممنوعیت پرستش خدایان بیگانه/غیرحق است، بلکه منع بازنماییِ بصری یهوه/خدایِ حق را نیز به دنبال دارد.

رایج‌ترین اصطلاح برای بت،[5] واژه‌ی یونانی eidoion است؛ یک اصطلاح تمسخرآمیز با معنای تلویحیِ کذب و بی‌اساس، که به‌خوبی عنصر تحقیرآمیز را در توصیف یک تصویر فراهم می‌آورد.[6] انبیاء بنی‌اسرائیل نیز برای توصیف بت از

1. Ibid, p.48-49.
2. Adler,*The First Amendment and the Second Commandment*, p.44.
3. Idolatry.
4. Fine,Steven, 'Lernen to see: "Modernity", Torah, and the study of Jewish "Art"', *Milin Havivin*, 2014, N.7, p. 29.
5. Idol.
6. Rosner, Brian S.,*The Concept of Idolatry*, Themelios, 24.3, 1999, p. 23.

مبتذل‌ترین و پست‌ترین کلمات مثل «اِلیلیم/ سرگین[1]» استفاده می‌کردند.[2]

در زبان عبری، «عوودا زاراه»[3] – پرستش عجیب و بیگانه – به بت‌پرستی اشاره دارد و اولین بار در میشنا با این کلمه در چنین مفهومی مواجه می‌شویم.[4]

مبارزه با بت‌پرستی در کتاب مقدس از نبرد با ملل بت‌پرست و انواع عبادات آئینی بیگانه نشأت می‌گیرد و به دورانی بازمی‌گردد که بنی‌اسرائیل، به‌واسطه‌ی وصلت با سایر اقوام، درمورد پرستش خدایان و به‌جا آوردن اعمال آئینی آنها اغوا شده بودند (داوران ۶: ۵-۳). بر این مبنا بت‌پرستی، یک امر خارجی و بیگانه توصیف شد. بنی‌اسرائیل، هم در مصر و هم در فلسطین، در میان مردمان بت‌پرست زندگی می‌کردند و اغلب خودشان در برابر بعل زانو می‌زدند. پس جای تعجب نیست که قوانین سفت و سختی برای جلوگیری از آن تدوین کنند.[5] پرستش گوساله‌ی طلایی به گفته‌ی هوشع (اول پادشاهان۱۲: ۳۳-۲۸)، تنها موردی است که در میان بنی‌اسرائیل رخ می‌دهد، نه در میان فرهنگ‌های بیگانه، و می‌توان آن را نمونه‌ای از وقایعی دانست که به عیاشی‌ها و فحشاء جنسی دلالت دارد. چنان‌که در سفر خروج هم آمده است:

«و بامدادان برخاسته، قربانی‌های سوختنی گذرانیدند و هدایای سلامتی آوردند و قوم برای خوردن و نوشیدن نشستند و به‌جهت لعب برخاستند». (خروج ۳۲: ۶).

فعل «لعب/ بازی‌کردن» در زبان عبری[6] به وضوح تعبیری برای فعالیت‌های جنسی است.[7] بنابراین کتاب مقدس با دو استعاره‌ی خیانت در رابطه‌ی زناشویی و شورش علیه حاکمیت سیاسی به شرح و توصیف بت‌پرستی مبادرت می‌ورزد. بت‌پرستی به‌عنوان رابطه‌ی جنسی گناه‌آلود در سفر خروج(۳۴: ۱۶-۱۵) معرفی شد و توسط انبیاء، به ویژه

1. dung , Elilim/אלילים .
2. Berlejung, *Aniconism*, p. 1210.
3. עבודה זרה/avodah zarah.
4. Neis, R,'Religious Lives of Image-Things, Avodah Zarah, and Rabbis in Late Antique Palestine', *Archiv für Religionsgeschichte*, 2015, p.95.
5. Solomon,S.J.'Art and Judaism',*the Jewish Quarterly Review*, 1901,Vol.13, No.4, p.554.
6. לְשַׂחֵק.(نزدیکی معنایی و همریشه بودن این فعل عبری با فعل عربی در مصدر «مساحقه» قابل توجه است)
7. Rosner, *The Concept of Idolatry*, P.25.

ارمیا(۲: ۲۵-۲۳؛ ۳: ۶)، حزقیال(۱۶: ۲۶-۱۵) و هوشع(۲: ۱۳؛ ۴: ۱۵) گسترش یافت. امر مشترک همه‌ی کاربردهای این تصویر، این است که اسرائیل با خدا ازدواج کرده اما به شوهرش خیانت کرده است. و شوهر هم میل شدید برای انتقام و هم میل شدید برای به‌دست آوردن دوباره‌ی همسر محبوبش را در سر دارد. خدا در این الگو خواهان عشق و فداکاری انحصاری است.[1]

و اما زبان دینی مملو از استعاره‌های حاکمیت سیاسی درباره‌ی خداست. خدا پادشاه، ارباب جهان و ناجی توصیف شده است. کلمه‌ی عبری برای خدا، الوهیم، خود با فرمانروایی مرتبط است. او وظایف سیاسی رایج در کتاب مقدس را انجام می‌دهد و قانونگذار و فرمانده کل است. نقش سیاسی خدا با توجه به عهدهای مختلف بین خدا و اسرائیل که الگوبرداری از عهد بین پادشاهان و دست نشاندگان آنها بوده، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. تثنیه نیز با داستانی تاریخی آغاز می‌شود که اساس تعهد رعیت به پادشاه است. خدا به‌عنوان پادشاه، خواهان اعتماد و اطمینان به توانایی خود در تأمین و محافظت از کسانی است که تحت مراقبت، خدمت وفادار و اطاعت از او هستند(تثنیه ۱).

مفهوم وفاداری در استعاره‌ی زناشویی بیشتر قابل درک می‌نماید. در مقابل، اقتدار سیاسی قابلِ تقسیم و قابلِ انتقال است و امکان دارد که یک حاکم حق سلطه‌ی سیاسی خود را به شخص دیگر واگذار کند. در استعاره‌ی سیاسی برعکس استعاره‌ی زناشویی، نیازی به شخص سوم برای ایجاد وضعیت بی‌وفایی نیست. سوژه مجبور نیست حاکمیت خدا را به شخص دیگری منتقل کند - او می‌تواند آن را برای خود بگیرد. بنابراین به مسئله‌ی خدایی شدن می‌رسیم، همچنان‌که سران قدرت‌های بزرگ در عرصه‌ی ژئوپلیتیک کتاب مقدس، افرادی هستند که جرأت کرده‌اند از مرز بین انسانیت و الوهیت عبور کنند و خود را در موضع خدایی تصور کنند.[2]

مبارزه با بت‌پرستی، که موضوع اصلی کتاب مقدس است، در دوره‌ی معبد دوم از

1. Halbertal, & Margalit, *Idolatry*, P.214.

2. Ibid, p.215-216.

بین رفت. معابد بعل و ایشتار دیگر دشمن واقعی نبودند. آنها دیگر تفوق و برتری خدا را در جامعه یهودی تهدید نکردند و به‌این ترتیب موضوع وسوسه‌ی بت‌پرستی از دستور کار معنوی آن دوره حذف شد. این مساله در ادوار بعد به‌شکل دیگری بروز یافت. بت‌پرستی دیگر نوعی پرستش مربوط به سایر ملل نبود که میان بنی‌اسرائیل راه یابد، بلکه ممکن بود در خودِ جامعه‌ی توحیدی آنها رخ بدهد. پس مفهوم بت‌پرستی از **اجرای** مناسک بیگانه به **پذیرشِ** باورهای بیگانه تغییر موضع داد و بت‌پرستی از گناه جنسی، به گناه خطای بزرگ انسان‌انگاری تبدیل شد. با این تفاسیر، خطای بزرگِ انسان‌انگاری و تجسم به دو صورت تجلی می‌یابد: ادراک خدا به‌عنوان جسم و نسبت دادن عواطف و زندگی روانی به او.[1] در نهایت بت‌پرستی به‌عنوان یک باور نادرست، منجر به اعتقاد به «خدای غیرحق» به‌جای «خدای واقعی و برحق» می‌شود.[2] بدین‌ترتیب درک ممنوعیت بت‌ها به‌عنوان ممنوعیت «خدایان غیرحق» نیز توجیه می‌گردد.[3] البته باید گفت در کتاب مقدس با نوعی ابهام زبانی نیز مواجه‌ایم و همین امر باعث شده تا اصطلاحات عبری که برای اشاره به تصاویر الهی استفاده می‌شوند، برای اشاره به خدایان بیگانه نیز استفاده شوند[4] و تفسیرها و برداشت‌های مختلف نیز تا اندازه‌ای متأثر از همین ابهام زبانی است.

۲-۱-۱. الهیات تثنیه

زمینه‌ی دیگر الهیاتی در شکل‌گیری فرهنگ آنیکونیسم، به ادبیات تثنیه برمی‌گردد. عهد خدا با بنی‌اسرائیل بر این مبنا شکل گرفت که قوم منحصرا او را بپرستند. طبق آنچه در تثنیه آمده خدا را نمی‌توان به‌طور دقیق در تصویر یا نمادی نشان داد(۱۱ : ۱۸-۱۵). این اظهارات درواقع چیزی جز تقویت فرمان دوم در کتاب خروج نیستند. به‌گفته‌ی

1. Ibid, p. 109.
2. Ibid, p. 137.
3. Judge, T. A,*The Relationship Between the Worship of Other Gods and the Worship of Idols within the Old Testament*, University of Durham, 2016, p.20.
4. Ibid, p.36-7.

گاتمن، موضع‌گیری تثنیه در این‌باره به دوران سلطنت «یوشیا» ارتباط می‌یابد؛ آن‌گاه که برای جلوگیری از قربانی‌های متعدد به پیشگاه یهوه و بعل- که پرستش او به‌عنوان یک خدای بیگانه در کنار یهوه، از قبلِ سلطنت یوشیا متداول شده بود- تأکید بر الوهیت انحصاری یهوه به‌هرنحوی ضروری می‌نمود. بنابراین، شدت سختگیری‌های شمایل‌پرهیزانه‌ی یوشیا کاملا طبق صلاحدیدهای سیاسی است، زیرا هیچ مدرکی در کتاب دوم پادشاهان، دال بر این نیست که او حتا یکی از تصاویر حکاکی‌شدهٔ[1] به جامانده از دوره‌ی سلیمان را حذف کرده باشد.[2] همین دیدگاه را می‌توان طی تبعید بابلی، در تقابل با مردوک درنظر گرفت. کاتبان تثنیه خواستند از اقتدار یهوه در مقابل مردوک محافظت کنند و در این راستا ماهیت او را از معبودبودن، بدون انکار خدایان دیگر[3] به خدای واحد تغییر دادند. با از بین‌رفتنِ شمایل یهوه در داخل معبد، الهیات جدیدی تدوین شد و چون دیگر، شرایط عبادت و اجرای مناسک به سیاق قبل میسر، و دیگر شمایلی درکار نبود، الهیات جدید به کلی تغییر مشی داد و تصاویر و شمایل خدا را به‌طور کلی رد کرد.[4] بنابراین ممنوعیت تصاویر عمدتاً ساخته‌ی کاتبان و گردآورندگان کتاب مقدس پس از سقوط اورشلیم و تخریب معبد بدست بابلی‌ها ارزیابی شده است (نک: Uehlinger، ۲۰۲۲). در جریان بازسازی آیین معبد دوم، ظاهراً اولیای یهودی مراقب بودند که هیچ بتی از یهوه ساخته نشود. به‌نظر می‌رسد در اینجا تاکید از روی ممنوعیت تصویر به‌طور کلی، بر ممنوعیت تصویرِ یهوه تغییر می‌یابد. این مساله در ادبیات حکمی دوره‌های بعد نیز ادامه یافت. بت‌ستیزی در درگیری با سلوکیان نشانه‌ی مهم هویت یهودی و برنامه‌ی مکابیان شد. بنابراین منشأ ممنوعیت بت‌ها باید با توحید صریح یهودی در دوره‌ی تبعید و پس از آن مرتبط باشد.[5]

---

۱. فرشتگان بالدار مقرب خدا(Cherubim) -که در هنر خاورمیانه باستان به‌صورت شیر یا گاو نر با بالهای عقاب و صورت انسان نشان داده شده - و دوازده گاو (Twelve Oxen) که دریایی مذاب را نگه داشته‌اند.

2. Gutmann, *Second Commendment*, p.168.

3. Monolatry.

4. Kang, S.I.,in Search of the Origins of Israelite Aniconism, *Acta Theological*, 2018, 38(1), p.93.

5. Berlejung, *Aniconism*, p. 1213.

۲-۱. زمینه‌های اجتماعی، سیلسی و فرهنگی

۱-۲-۱. فرهنگ آنیکونیک خاور نزدیک باستان

پرستش نمایش فیزیکی از خدا، جنبه‌ی مرکزی ادیان بین‌النهرین و مصر در دوره‌ی ظهور دینِ بنی‌اسرائیل بود که به‌تفصیل در کتاب مقدس عبری آمده است. اما برخلاف دیدگاه متداولی که در این زمینه شکل گرفته، تحقیقات اخیر در فینیقیه و یونان که با تمرکز بر هزاره‌ی اول پیش از میلاد، انجام گرفته، نشان می‌دهد که عدم‌استفاده از تصاویر در آیین‌های مذهبی، منحصر به سنت‌های اولیه‌ی سامی؛ یهودیت و اسلام نیست و تاریخ دین‌های آسیای غربی و مدیترانه‌ای از دوران باستانِ متأخر حکایت از این دارد که بین مساله‌ی شمایل‌پرهیزی و اعتقاد به خدایی واحد، نامرئی و متعالی، پیوستگی‌هایی در حال شکل‌گیری بوده است.[1] حتا در خاور نزدیک باستان، در دوران شکوفایی بنی‌اسرائیل، خدایانی بودند که بدون شخصیت انسانی تصویر می‌شدند.[2] برای نمونه می‌توان از مردوک نام برد که علاوه بر مبهم‌بودن اعمال و رفتارش در خلقت انسان، ظاهرش را نیز باید به‌گونه‌ی دیگری تفسیر کنیم. آنهم وقتی در متون دینی و ادبی بین‌النهرین، خدایان عمدتا انسان‌گونه یا به‌شکل جانور[3] مجسم می‌شدند. متعالی‌سازیِ مردوک از دیگر خدایان به حدی است که تجسم او از انسان‌گونگی آنها فراتر می‌رود. توصیف اسرارآمیز از شکل و عظمت مردوک یادآور برخی از توصیفات و گمانه‌زنی‌های انبیاء بنی‌اسرائیل درباره‌ی ابعاد عالی خداوند در کتاب مقدس است (اشعیا۴: ۶؛ حزقیال ۱). بعدها متولیان آئینی در اجتماعات محلی و خانوادگی از اشکال نمادین برای بازنمایی خدایانی همچون مردوک استفاده کردند.[4] به‌کارگیری نمادها و نشان‌های الهی در فرهنگ‌های سامی غربی، که به‌طور پراکنده در اواخر

1. Uehlinger,'Beyond Image Ban and Aniconism',*figuration and sensation of the unseen in Judaism, Christianity and Islam*, London,Bloomsbury Academic, 2019, p.99.

2. Stein, David E.S,'On Beyond Gender',*Nashim*,2008, 15, p.112.

3. Zoomorphic.

4. Hendel, Ronald S.,'Aniconism and Anthropomorphism in Ancient Israel',*The Image and the Book, Iconic Cults, Aniconism & the Rise of Book Religion in Israel & The Ancient Near East*, Peeters, Leuven,1997, p.207.

عصر مفرغ آغاز شده و در آیین‌های آرامی و فنیقیه-کارتاژی هزاره‌ی اول پیش از میلاد یافت می‌شود، ممکن است دراصل از راه و روش بین‌النهرین نشأت گرفته باشد که مؤلفه‌ی مهمی از خصوصیات شمایل‌پرهیزی سامی غربی ارائه می‌دهد.[1] درواقع باید میان این آنیکونیسم، که پیش‌تر وجود داشته و آنیکونیسمِ برنامه‌ریزی‌شده در تثنیه(۴: ۱۲-۲) تمایز قائل شد. سنت قدیمی‌تر شمایل‌پرهیزی، که شواهدی بر آن در نمادهای مذهبی معابد اورشلیم و آراد[2] و محراب‌های رو-باز[3] در مکان‌های مختلف ارائه شده است، تلویحا نشان‌دهنده‌ی نوعی بیزاری از تصاویر انسانی یا الوهی است.

این محراب‌های رو-باز، که مشخصه‌ی بارز دنیای سامی غربی به‌حساب می‌آید و نمادهای مذهبی آن عمدتاً از سنگ‌های ایستاده تشکیل می‌شد، نقش قابل اعتنایی در شکل‌گیری آنیکونیسم در دوران اولیه‌ی اسرائیل دارد.[4]

۲-۲-۱. احساسات ضدپادشاهی انبیاء و کاهنان

بیانات پیامبرانی مثل هوشع(۲: ۱۳) و عاموس(۵: ۲۶؛ ۴: ۸؛ ۳: ۱۵؛ ۶: ۴) که در زمان پادشاهان می‌زیسته‌اند، نشان‌گر رعایت و اجرای دقیق فرمان دوم است. استقرار یک ساختار سلطنتی شکوفا در فلسطین، شیوه‌ی زندگیِ نیمه‌عشایری را که تا آن موقع هنوز ناپدید نشده بود، به خطر انداخته بود. انبیاء ضرورت التزام به سنت را احساس می‌کرده‌اند، چنانکه می‌توان اظهارات بت‌ستیزانه یا انتقادآمیزشان از اشیاء هنری را نه برخاسته از انزجار از هنر یا تمایل به اجرای فرمان دوم، بلکه صرفا ناشی از احساس نیاز مبرم به حفظ سبک سنتیِ بدوی و نیمه‌عشایری ارزیابی کرد. با توجه به شکاف عظیمی که بین زندگی مجلل درباری پادشاهان و مردم وجود داشت، این انبیاء به‌نفع مستضعفان جامعه فتوا می‌دادند و در تلاش بودند از

1. Ibid, p. 210.
2. Arad.
3. open-air.
4. Ibid, p. 205.

تخریب یک ساختار اجتماعی که به‌عنوان «مقدر الهی» آن را گرامی می‌داشتند، جلوگیری کنند.[1]

اشاره به احساسات ضدپادشاهی یهودیان باستان خصوصا در کتاب تثنیه، مساله‌ی قابل اعتنایی است. در دوره‌ی نخست تاریخ بنی‌اسرائیل، پادشاهان تحت اقتدار نبوی بودند، برای نمونه سموئیل، داوود را به‌عنوان رهبر جدید مسح کرد(اول سموئیل۱۶: ۱۳). با برهم‌خوردن تعادل میان این موازنه، از آنجا که پادشاهان، نمایندگان زمینی خدایان بودند، حذف و ممنوعیت تصاویر خدا، به اقتدار تامّ پادشاهان می‌انجامید. به‌این ترتیب سنت شمایل‌پرهیزی در یهودیت می‌تواند از موضع منفی و ریشه‌دار انبیاء در برابر سلطنت سرچشمه گرفته باشد.[2] اقتدار نبوی یا پادشاهیِ کاهنان به‌عنوانِ ویژگی بارز یهودی باعث شد که آنها احساس کنند باید خود را به‌شدت از همه‌ی کسانی که اشکال متفاوتی از عبادت و عقیده را نسبت به آنها داشتند، دور نگه دارند.[3] چه بسا حافظه‌ی فرهنگی منفی یهودیان که برای ساخت مجسمه‌های بزرگ پادشاه–خدایان در مصر به بردگی کشیده شده و مورد ظلم قرار گرفته بودند[4] در تنفر آنها از پادشاهان بی‌تأثیر نبوده باشد.

۳-۲-۱. موضع نویسندگان و متفکران یهودی دوران هلنیستی و بیزانس

با فتح فلسطین و جهان خاور نزدیک به‌دست اسکندر و ظهور هلنیسم، بسیاری از متفکران یهودی، باورهای اسفار را ناسازگار با نظام‌های موردنظرِ متفکران هلنیستی یافتند. یوسفوس[5] مورخ مشهور یهودی(د. ح ۱۰۰م) برای اصلاح این موضوع در قلمرو تاریخ‌نگاری، با تقلید از آثار مورخان یونانی مانند توسیدید[6](د. ۳۹۵ ق.م) و

1. Gutmann, *Second Commendment*, p. 167.
2. Kang, *in Search of the Origins of Israelite Aniconism*, p.85.
3. Solomon, *Art and Judaism*, p.553.
4. Balbi,Camilla, Iconoclasm uninterred. The Jewish roots of American abstract Expressionism, *rivista di diritto delle arti e dello spettacolo*, 2020, p. 42-43.
5. Josephus.
6. Thucydides.

پولیبیوس[1](د. ح۱۲۵ ق.م) سالنامه‌ی یهودیان را از نو مدّون کرد. او که در شورش یهودیان بر روم، فرماندهی ارتش در جلیل را برعهده داشت، به‌عنوان اسیر ممتاز به رم برده شد و در دربار فلاویان اقامت گزید تا مجلدات کتابش در مورد تاریخ و سنت یهود، جنگ یهودیان، آثار باستانی یهودیان و ... را به رشته‌ی تحریر درآورد. نوشته‌های او درباره‌ی هنر با تصدیقِ منع تصاویر در سنت یهودی و رعایت دقیق فرمان دوم، در تقابل با مظاهر و تصاویر هنر رومی، نفرت یهودیان از حکومت ظالمانه‌ی روم را نشان می‌داد.[2] این حتا بیشتر از طریق شواهد باستان‌شناختی تقویت می‌شود، چنان‌که می‌توانیم ببینیم چگونه فرهنگ‌های هلنیستی و رومی مظاهر و باورهای یهودیت را سرکوب می‌کردند. مثلا در زمان آنتیوخوس چهارم اپیفانس[3](د. ۱۶۴ ق.م)در همین راستا گرایش‌های بت‌ستیزی بیشتر قابل مشاهده است.[4]

در قلمروی فلسفه نیز تحت تأثیر فرهنگ هلنیستی، فیلون اسکندرانی کوشید تا اسفار را به‌نحو تمثیلی تفسیر کند و از این طریق آن را با اندیشه‌ی افلاطونی انطباق دهد. بنابراین در موضوع هنر بصری و تجسمی، او ایده‌های افلاطونی را الگویی بر ایده‌های فکری موجود در کتاب مقدس قرار داد و بدین‌ترتیب تصاویر و پیکره‌های چوبی و سایر آثار مثل نقاشی و مجسمه‌سازی را محکوم کرد.[5] با این تفاصیل عدم توجه نویسندگان یهود به زمینه‌های سیاسی - تاریخی ادوار مختلف و بسنده‌کردن به نقل قول از کتب نویسندگان پیش از خود، به سوء برداشت و تفسیر نادرست از فرمان دوم منجر شده است.

۴-۲-۱. منابع ربّانی و ادبیات مبتنی بر عَوُودا زاراه

از منابع ربانی که در اوایل قرن سوم تا پنجم میلادی نگارش و تدوین یافته، چنین

1. Polybius.
2. Gutmann, *Second Commendment*, p.168-170.
3. Antiochus IV Epiphanes.
4. Balbi, *Iconoclasm uninterred*, p.42.
5. Gutmann, *Second Commendment*, p.172.

استنباط می‌شود که تصاویر و آثار هنری و تجسمی دیگر اقوام(عوودا زاراه) ساکن در فلسطین در اواخر دوره‌ی روم و بیزانس، تأثیر زیادی بر دیدگاه ربی‌ها در مورد منع بازنمایی بصری داشته است.[1]

اصطلاح «عوودا زاراه»که نخستین بار در میشنا و به‌معنای بت‌پرستی به‌کار رفته، در لغت، به معنای عجیب یا عبادت بیگانه است و به معبود، و اعمال و عبادات مختلف مربوط به آن اشاره می‌کند.[2] باید توجه داشت که در بررسی متون ربانی، ارزیابی شرایط پیدایش و فضای شکل‌دهنده‌ی آنها، بسیار حائز اهمیت است. لذا با مقایسه‌ی متون تنّائی مربوط به قرن‌های اول تا سوم و متون اَمورایِ مربوط به اواخر قرن چهارم تا اوایل قرن پنجم می‌توان مسیر تأثیراتی را که ربی‌ها از طریق تعامل با ادیان و فرهنگ‌های دیگر پذیرفته‌اند، شناسایی کرد و با توجه به سیاست منطقه‌ای، مذهبی و قومی نویسندگان میشنا که در فلسطین ساکن بودند، به‌نظر می‌آید آنها خود را وارث سنت‌های کتاب مقدسی می‌دانستند که با تصاویر و پرستش خدایان غیر خدای اسرائیل سر جنگ داشتند. طبق سنت‌های کتاب مقدسی، تخریب پنج گونه تجسم بصری، یعنی تندیس‌ها، پیکرتراشی‌ها، ستون‌های سنگی، درختان مقدس و محراب‌های مرتبط با خدایان کنعان برای اثبات وفاداری به یهوه الزامی بود.[3] اما این را هم درنظر داشته باشیم که یهودیان تحت تسلط رومی‌ها به‌سر می‌بردند و مسلما ناگزیر از تعامل با آنها و فرهنگ شرک‌آمیز؛ مجسمه‌ها، تصاویر و سایر اشیاء بصری و بت‌پرستانه‌شان قرار داشتند. به‌طوری‌که تصاویر و شمایل مقدس آنها و سایر همسایگان مشرک، به گفتمان یهودی درمورد تصاویر و ممنوعیت آنها راه یافته و زندگی اجتماعی و اقتصادی یهودیان را تحت‌تأثیر خود قرار داده بود.[4] بنابراین برخی ربی‌ها که با ممنوعیت تصویر در چنین سطح گسترده‌ای موافق نبودند، در اقدامی استراتژیک، از برخی اصطلاحات نامتعارف و متناقض کتاب مقدس[5] استفاده

1. Neis, *Religious lives of Image- Things*..., p.91.

2. Ibid, p.95.

3. Ibid, p.94.

4. Ibid, p. 93.

۵. واژگانی همچون اشره (asherah: الهه)، پسل (pesel: بت) و مصیاه (Matzevah): اصطلاحی که در کتاب مقدس عبری برای ستون مقدس، نوعی سنگ ایستاده استفاده می‌شود.

کرده و دسته‌بندی جدیدی ایجاد کردند که بتوان بر مبنای آن میان اشیاء ممنوع یا عوودازاراه، با تصاویر صرف، تمایز قائل شد. هدف از اختصاص‌دادن رساله‌ی عوودا زاراه به این موضوع، درواقع ایجاد قاعده و چارچوبی برای انواع تماس بین یهودیان و بیگانگان بوده است.[1] با این تفاصیل برخی اندیشمندان، شکل‌گیری فرهنگ شمایل‌پرهیزی در یهودیت را ناشی از ادبیات ربانی مبتنی بر عوودا زاراه می‌دانند و معتقدند بدون درنظر گرفتن چنین زمینه‌ای، جامعه‌ی متعصب ربی بالغ بر دوهزار سال از این رساله در جهت ممنوعیت پرداختن به هنر بصری استفاده می‌کرده است.[2]

۲. آنیکونیسم در دوران مدرن

امروزه بازتفسیر فرمان دوم، ارزیابی تاریخی و ادبی کتاب مقدس و یافته‌های باستان‌شناسی و کاوش‌های روزافزونِ شمایل‌نگاری‌ها، به درک دیگری از هنر یهودی منجر گشته و این تصور رایج قرن نوزدهمی را که یهودیت باستان با آنیکونیسم، یا دست‌کم گرایش‌های آنیکونیک، پیوند محکمی داشته، زیر سوال برده است. با این‌حال آنیکونیسم، وجهه و اصالت یهودی خود را در سطح جهانی حفظ کرده و همچنان موضوع پژوهش‌های حوزه‌ی الهیات و هنر است.

خودِ اصطلاحِ آنیکونیسم نیز منشأ نسبتا جدیدی دارد و اولین بار در سال ۱۸۶۴توسط اووربک[3] در حوزه‌ی هنر اولیه‌ی یونانی ابداع شد، زیرا او تصور می‌کرد که هنر یونانی فاقد نمایش‌های انسان‌وار از خدایان است. به گفته‌ی این باستان‌شناس، در دوران باستان، بازنمایی امر الهی غیرقابل‌درک بود، زیرا غیرممکن بود چیزی را که دارای شکل انسانی تصور نمی‌شد، بازنمایی کرد.[4] اووربک آنیکونیسم را براساس واژه‌ی یونانی eikon با پیشوند منفی an ایجاد کرد و آن را معادل دو واژه‌ی آلمانی

1. Ibid, p.95.
2. Fine, *Modernity, Torah, and the study of Jewish Art*, P.28-31.
3. Adolph Overbeck.
4. Gaifman, Milette, Aniconism:definitions, examples and comparative Perspectives, *Religion*, VOL. 47, 2017, N. 3, p.336.

بی‌تصویر و بی‌تصویری[1] قرار داد. قدیمی‌ترین کاربرد این واژه- کلمه‌ی یونانی آنیکونیستون[2] -نشان‌دهنده‌ی کیفیت غیرقابل‌بازنمایی است و اولین بار در اثر کلمنت اسکندرانی در یک استدلال دفاعی و ضدبت‌پرستی اولیه‌ی مسیحی درمورد عدم امکان بازنمایی امر الهی دیده شده است. بدین‌ترتیب آنیکونیسم در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم تدریجاً در نوشته‌های محققان یونان باستان به‌کار رفت و در دهه‌های اول قرن بیست به کتاب‌های کلی در مورد دین و هنر راه پیدا کرد.[3]

۱-۲. زمینه‌ها

شاید بتوان مهم‌ترین زمینه‌های سیاسی- اجتماعی آنیکونیسم در دوران مدرن را **یهودی‌ستیزی و همگون‌سازی**[4] برشمرد.

از زمان تبدیل مسیحیت به دین رسمی روم در قرن چهارم میلادی، نوعی ایدئولوژی کینه‌توزانه نسبت به یهودیانِ اروپای مسیحی شکل‌گرفته بود که کم و بیش تا عصر روشنگری ادامه داشت و به کناره‌گیری و انزوای یهودیان از ساحت‌های اجتماعی منجر شده بود. همگون‌سازی یا ادغام یهودیان در جامعه‌ی اروپایی، نتیجه‌ی تلاش روشنفکران یهودی برای رهاسازی یهودیان از انزوای فرهنگی و اجتماعی در اوایل دوره‌ی مدرن بوده است. در جریان روشنگری، اروپا درگیر بحث شدید و گسترده در مورد صلاحیت یهودیان و حضور آنها در جامعه شد، زیرا سنت‌گرایی یهودی درتقابل با پیشرفت و عقلانیت جدید، ارزیابی گشت. بنابراین یهودیان در پی مفهوم‌سازی مجدد تاریخ، اخلاق، سیاست و... در قالب‌های عقلانی برآمدند.[5]

پیشگام این نوگرایی موسی مندلسون بود که اقدامات او و سایر همفکرانش، به بهبود

---

1. bildlos, Bildlosigkeit.
2. Aneikoniston.
3. Ibid, p. 337.
4. anti-Semitism, assimilation.
5. Sutcliffe, Adam,Judaism and the Politics of Enlightenment, *American Behavioral Scientist*, Vol. 49 ,N.5, 2006, p.707-7-9.

وضعیت اجتماعی و شهروندی یهودیان اروپا منجر شد. احیای فرهنگ یهودی و تلفیق عناصر اروپایی با آن، گنجاندن ارزش‌های غربی، آداب و رسوم و قراردادهای اجتماعی ذیل فصل جدیدی در رسایلِ عبری، مبارزه با باورهای خرافی و احکام و رسوم مذهبی نادرست، و بازنگری آموزه‌های سنتی در توازن با رشته‌های سکولار مانند علوم و زبان‌ها، تغییرات عمده‌ای بود که یهودیت در این دوره به خود دید.[1]

با توسعه‌ی مطالعات تاریخ هنر، **هنر یهودی** و سبک منحصر به‌فرد آن نیز همسو با جنبش‌های ملی‌گرایانه‌ی اروپائیان موضوعیت یافت.

بنابراین آنیکونیسم برای توصیف هنر یهودی و به‌زعم برخی با هدف ایجاد پارادایم «یهود بی‌هنر» در جامعه‌ی اروپایی مطرح شد[2] و تا حدودی نیز در ادامه‌ی انگیزه‌های یهودستیزانه شکل گرفت. در چنین شرایطی عده‌ای که گرایش‌های سنتی‌تری داشتند، آنیکونیسم را دلیلی بر برتری معنوی یهودیان از سایر ملل ارزیابی کردند و در صدد دفاع از آن برآمدند.[3]

درواقع برخی معتقدند که روشنفکران آلمانی‌زبانِ قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، اولین بار سکه‌ی دکترینِ آنیکونیسم یهودی را ضرب زدند و شاگردانشان با انگیزه‌های مختلف آن را تداوم بخشیدند. روشنفکرانی مثل کافمن کوهلر در مقابله با همگون‌سازی و ادغام یهودیان در اروپای عصر روشنگری، قصد داشتند یهودیت را از هنرهای تجسمی جدا کنند.[4] ایشان با دفاع از برتری آنیکونیسم به‌عنوان یک فضیلت معنوی، به دفاع از دیدگاه ایدئالیستی مبنی بر مخالفت یهودیت با هنر بصری پرداختند. چنان‌که این تصور که یهودیت یک دین مبتنی بر متن و کلام است، نه دین تصویر، به یک حقیقت مدرن تبدیل گشت.[5] ماجرا از آنجا شروع شد که در سال ۱۷۹۰، اندکی

1. Pelli,Moshe, *Haskalah and beyond, the Reception of the Hebrew Enlightenment and the Emergence of Haskalah Judaism*, University Press of America, 2010, p.16.
2. Bland, *The Artless Jew*, p..
3. Cohen,'Representation of the Jewish body in modern times', *Representation in Religion*, Cambridge, 2001, p.237-8.
4. Bland, *The Artless Jew*, p.14.
5. Ibid, p.32.

پـس از انقـلاب آمریکـا و فرانسـه، **کانـت**، مفهـوم انتزاعـی و بی‌جسـم را بـر حسـی و معقـول تـرجیح داد و از فرمـان دوم بـه‌عنوان بهتـرین قـانون در یهودیـت یـاد کـرد.[1] در حالی‌که **هگـل**، آن را نقـص بزرگـی در فرهنـگ یهـودی می‌دانسـت.[2] روشـنفکران یهودی در این نزاع فلسفی-فرهنگی، طرف کانت را گرفتند. در واقع آنهـا بـا چیـزی در فرهنگ خود متقاعد شده بودند.[3] اما از طرفی، برخـی نیـز بـه‌طور زیرزمینـی بـه تولیـد و خریـد و فـروش آثـار هنـری مبـادرت می‌ورزیدنـد. بـدین‌ترتیب اغلـب منتقـدان سـنت یهودی، تعلق مذهبی خود را از دست دادند و این دیدگاه شکل گرفـت کـه یهودیـت و هنـر بـه دو قلمـرو مجـزا تعلـق دارنـد. مواضـع یهودسـتیزانه در ایـن دوره بحـث را بـه مقایسه میان فرهنگ و هنر یونانی و یهودی رساند. بحثی که گفتـه می‌شـود آغـازگر آن واگنر[4] بود.

واگنر یونانی‌ها را به‌دلیل ساخت مجسمه‌ها و پیکره‌های هنری و خلق زیبـایی بصـری در طول تاریخ، تحسین کرد. و یهودیت و آنیکونیسم یهودی را مهم‌ترین عامـل نـابودی هنر آزاده‌ی یونان باستان برشمرد. باری، واگنر با انتشار مقاله‌ای در ۱۸۵۰و بازنشـر آن در ۱۸۶۹، فرهنگ مدرن آلمان را جایگزین فرهنگ هلنـی یونـان باسـتان کـه در ایـن میـان قربانی یهودیت شده بود، کرد و فرودستی بیولوژیکی را بـه فهرسـت نقـایص فرهنگـی-اجتماعی یهودیان افزود. چنین مسائلی یهودیان را به چاره‌اندیشی درمورد کسـب هویـت یهودی واداشت.[5] بنابراین هنر بهانـه‌ای شـد بـرای تشـکیل یـک دولـت جدیـد یهـودی. چنان‌که بسیاری مانند مارتین بوبر، با چنین انگیزه‌ای برای تشکیل دولت صهیون در کنـار تئودور هرتزل قرار گرفتند.[6] از این رو می‌توان گفت آنیکونیسـم در کنـار ایجـاد چـالش

1. Kant, *Critique of the Power of Judgment*, translated by Paul Guyer and Eric Matthews Cambridge, University Press, 2001, p.156.
2. Bland,*The Artless Jew*, p.15.
3. Ibid, p.20.
4. Richard Wagner.
5. Bland, The Artless Jew, p.27.
6. Jospe,Eva, *Encounters in Modern Jewish Thought, vol.1: Martin Buber*, Academic Studies Press, 2013, p.1-2.

در بحث‌های یهودستیزانه‌ی فرهنگی و هنری، در خدمت اهداف جدلی سیاسی و ناسیونالیستی قرار گرفت.

۲-۲. آنیکونیسم و زیبایی‌شناسی یهودی

زیبایی‌شناسی و برداشت زیبایی‌شناختی از یهودیت، در تفکر دینی متفکران دوران مدرن نقش اساسی ایفا می‌کند و این باور وجود دارد که شکل‌گیری یهودیت مدرن و فلسفه‌ی یهود بر زیبایی‌شناسی معاصر بنا گشته است. این موضوع از آنجا نشأت می‌گیرد که یهودیت و بیان فلسفی یهودی معمولا در بستر رایج و متداول هر مقطع زمانی و تاریخی خاص جریان یافته و این‌بار نیز آن جریان غالب در عصر روشنگری، زیبایی‌شناسی بود.

تا پیش از **دوره‌ی مدرن**، اندیشه‌های زیبایی‌شناسیِ یهودی، متأثر از نظر ربی‌ها در مجاز بودن یا نبودن آثار هنری بوده است.[1] تنها در این دوره نظراتی نظام‌مند مبتنی بر الهیات به‌وجود آمده و تازه تعداد آنها نیز اندک است.

با این‌حال می‌توان گفت که آنیکونیسم، مناسبات ایجاد نوعی فلسفه‌ی زیبایی‌شناسی یهودی را برای متفکران دوره مدرن فراهم کرد. درواقع آنها ممنوعیت تصویر در فرمان دوم را بسط دادند و بر این مبنا نظریه‌ای فلسفی از زیبایی‌شناسی یهودی ارائه دادند؛ زیبایی‌شناسی که اصول آن اگرچه در دل سنت یهودی پایه‌گذاری شده، ولی مصداق‌های بیرونی آن را نیز می‌توان در سطح جهانی ملاحظه کرد. خصوصا اینکه با تغییر اساسی در مفهوم هنر از قرن نوزدهم به این سو، این مفهوم، با تضاد قابل‌توجهی بین محتوای هنریِ قابل‌بیان در کلمات و «شکل غیرگفتمانی» مورد توجه قرار گرفته است.[2]

۳-۲. زیبایی‌شناسی تحریف[3]

همانطور که پیش‌تر گفته شد، طبق فرمان دوم، یهودیان از ساخت تصویر و پیکره از

1. Raphael,Melissa, *Judaism and the Visual Art*,Continuum International Publishing Group, London, 2009, p.27.

2. Mattik, Paul, *Art & its Time*,Routledge, London ,2003, p.4.

3. Distortion.

انسان یا هرچیزی با فرض نمایندگی بصری از خدا منع گشته‌اند. طی روند تاریخی و ملاحظات مختلف فرهنگی و سیاسی که این ممنوعیت خصوصا در دوره پساتلمودی از سرگذراند، قانون فعلی یهودی (یوره دئه[1]) درباره تصاویر و فرم‌ها از تفسیرهای رساله‌ی **شولخان عاروخ**[2] قابل‌استنباط است. طبق تحلیلی که استیون شوارتسشیلد[3] با بررسی قوانین معتبر و هنجاری یهودی برگرفته از متون ربانی به‌ویژه رساله‌ی شولخان عاروخ ارائه می‌دهد، هرگونه فرم و صورت در حالتی ممنوع هستند که اشکال کامل را نشان دهند. شوارتسشیلد دلیل این ممنوعیت را «روح» می‌داند. او با اشاره به اینکه وجه اشتراک خدا، انسان و هر موجودی که امکان نمایش بصری او وجود دارد، داشتنِ روح است، نتیجه می‌گیرد که تنها یک راه مشروع برای به‌تصویرکشیدن انسان باقی می‌ماند: «**تحریف یا بدن‌های تکه‌تکه**».

اولین‌بار ربی افرائیم رگنسبرگ[4] در قرن دوازدهم، در مورد خلق تصویر هنری چنین حکم داد.

در این حالت، تصاویر را تنها می‌شد به شکلی ساخت که داری نقص باشند. خصوصا در قسمت چهره باید مخدوش، شکسته یا بریده باشند. مثلا فقط یک چشم، یا بینی شکسته در نظر گرفته شود. درواقع تصاویر باید به نوعی از اصالت خارج شوند. زشتی و نقصان در تصاویر این هشدار دائمی را در خود دارد که اینها غیرقابل پرستش‌اند.[5]

شوارتسشیلد این تحریف، یا نقص در صورت و پیکره انسانی را، عامل مهمی در زیبایی‌شناسی یهودی معرفی می‌کند و معتقد است تکه‌تکه شدن یا تحریف تصویر انسان در هنر یهودی در واقع فروکاهیدن او نیست، بلکه نظر به گسترش کمالِ انسانی

1. Yoreh De'ah.
2. Shulchan Arukh.
3. Schwarzschild,S, The Legal Foundation of Jewish Aesthetics, *The Journal of Aesthetic Education*,1975, p.31-35.
4. Rabbi Ephraim of Regensberg.
5. Raphael, *Judaism and the Visual*, p.31.

اوست. در زیبایی‌شناسی تحریف، که از آن به «بینی بریده» نیز یاد شده است، بینی بریده، نمادی از روح درنظر گرفته می‌شود.[1]

احتمالا بر همین مبناست که ربی‌های اواخر قرون وسطا و اوایل دوره مدرن، نیم‌تنه‌هایی از خودشان تهیه می‌کردند و پیکره‌ی کاملی از بدن، بت‌پرستی به حساب می‌آمد.[2]

با اینکه این موضوع صرفا اختصاص به هنر یهودی ندارد و حتا در نسخه‌های تذهیب‌شده مسیحی قرون وسطا از تحریف به‌عنوان ترفندی برای جلوگیری از تولید تصاویر بت‌پرستانه استفاده می‌شده، اما همچنان این عقیده از سوی پژوهشگران و متفکران وجود دارد که این تکنیک، نوعی صورت‌بندی ذاتا یهودی از الهیات تصویر است.[3]

این نوع زیبایی‌شناسی سپس در هنر روشنگری آلمان تداوم یافت.[4]

بنابراین مصداق‌های زیبایی‌شناسیِ یهودی را می‌توان در اصول نقاشی مدرن غیربازنمایی یا درواقع تصویرسازی غیرطبیعی یا غیرتجسمی[5] مشاهده کرد. همچنانکه در این نگاهِ زیبایی‌شناسانه، نمادگرایی مذهبی پیشا -رنسانس، بازی نور بر پیکرهای انسانی در آثار رامبراند، تصاویر زاویه‌دار یا درازشدگی‌های چهره و بدن در کارهای ال گرکو[6] نقاش یونانی اوایل قرن هفدهم(د. ۱۶۱۷)، یا مودیلیانی و تلاش‌های هنری برای تجربه‌گرایی محض، چه در شکل کلاسیک یونانی، چه در احیای رنسانس آن، و حتا پوینتیلیسم[7] فرانسوی به این ترتیب، در درجات مختلف، مشروعیت می‌یابند.

---

1. Schwarzschild, *The Legal Foundation of Jewish Aesthetics*, p.35.

۲. نک: یهود بی‌هنر (بلاند) فصل ۴، آیکون‌های یهودی(کوهن) ص ۱۱۸.

3. Raphael,*Judaism and the Visual*, p.29.

4. Raphael, *Judaism and the Visual Art*, p.28-29.

5. non naturalistic depiction.

6. El Greco.

۷. تکنیکی از نقاشی نئو امپرسیونیستی با استفاده از نقاط ریز از رنگ‌های مختلف خالص که در چشم بیننده ترکیب می‌شوند.

۴-۲. بازنمایی هولوکاست و انتزاع بصری

واقعه‌ی هولوکاست، بحث قدیمی خدای غیرقابل بازنمایی را بار دیگر در سطحی وسیع‌تر مطرح کرد و هرگونه تلاش برای بازنمایی هولوکاست، بی‌فایده و منجر به تصاویر نادرست ارزیابی شد. درواقع، ویرانگریِ جنگ، فاشیسم و هولوکاست، هنرمندان و اندیشمندان را به این نتیجه رساند که هنر، قادر به بازنمایی مشکلات سیاسی و فجایع اجتماعی نیست و آنها را وادار کرد تا از جنبه‌های جذاب و لذت بصری سبک رئالیسم، که پیش از جنگ جهانی رایج بود، صرف‌نظر کنند و به‌نوعی زهد یا انتزاع[1] بصری روی آورند. به‌نظر می‌رسید این روش، برای بیان پرسش‌های غیرقابل‌پاسخ و شکاکیت مدرنیستی آنها کارآمدتر بود. بدین ترتیب هولوکاست در گسترش محدودیت‌های بازنمایی در هنر نقش عمده‌ای یافت[2] که محصول برداشت فرهنگیِ رایجِ پساهولوکاستی از تصعید[3] هولوکاست بود. «تصعید» اصطلاحی است که عموماً برای اشاره به تجربه‌ای از درک یک شکست عمیق و ریشه‌ای استفاده می‌شود؛ «وقتی با چیزی چنان عجیب یا به‌طور تکان‌دهنده «دیگری» مواجه شویم که چارچوب مفهومی ما قادر به احاطه‌ی آن نیست».[4] هولوکاست بدین‌ترتیب رویدادی با اهمیت متعالی و تقریبا متافیزیکی در نظر گرفته شد.

در قرن بیستم آنیکونیسم، به‌عنوان دستور باستانی یهودی و راه‌حل‌های زبانی جدید، و نیازهای بیانی هنر غربی در نقطه‌ای با یکدیگر تلاقی یافتند؛ که البته به‌زعم برخی اندیشمندان یک رویداد تصادفی بود. زیرا در دو مسیری جریان داشتند که کاملا بی‌ارتباط و در عین حال در موازات با یکدیگر در حرکت بودند. و در نهایت درآن نقطه‌ی تلاقی در تعاملی شگفت‌انگیز قرار گرفتند. آنیکونیسمِ ناشی از فرمان دوم، بدون شک قرابت بین اندیشه‌ی یهودی و هنر انتزاعی را برجسته

1. Abstract
2. Sax, Benjamin E.'Aesthetics, Jewish Philosophy, and Post-Holocaust Theology', *Journal of Jewish Thought & Philosophy*, 2014, 22, p.81.
3. Sublimity.
4. Raphael,*Judaism and the Visual Art*, p. 103.

می‌کند.[1] علی‌رغم همه‌ی اینها مطابقت بین تعالی و تقدس هولوکاست و حرکت به سوی هنر غیربازنمایی را می‌توان بر جایگاه مفروضِ یهودیت به‌عنوان یک دین شمایل‌پرهیز مبتنی دانست. با چنین زمینه‌ای هنر مدرن بر این شد تا راهی برای بازنمایی مفاهیم غیربصری ایجاد کند. توصیف‌ناپذیری هولوکاست و ادعای منحصر به فرد بودن آن، متعارف‌ترین بیانِ خود را در انتزاع محض یافت. درواقع انتزاع به‌عنوان امکان تقوا و فضیلت اخلاقی مطرح و ارزش فرمان دوم نزد هنرمندان و منتقدان هنر و زیبایی‌شناسی یهودی بیشتر قابل‌درک جلوه کرد.

نتیجه

فرهنگ یهودی از آنیکونیسم تا هنر بصری و شکل‌گیری **زیبایی‌شناسی مدرن**، فرآیند قابل‌توجهی را از سر گذرانده که با چالش‌های نظری بسیاری ناشی از جابه‌جایی‌های شناختی و معرفتی همراه بوده است. چنانکه گذشت، این فرهنگِ به‌ظاهر شمایل‌پرهیز، در تاریخ پرافت‌وخیز خود حقایق در پرده‌ی زیادی داشته و دارد که به یمن پژوهش‌های میدانی و نظری جدید، درحال کشف و رونمایی‌است و هر روز بیش از پیش ارتباط خود را با رویدادهای اجتماعی و سیاسی دوره‌های مختلف نشان می‌دهد. بنابراین نمی‌تواند در بردارنده‌ی ممنوعیت شمایلیِ سفت و سختی باشد که دوران مدرن، متأثر از عواملی همچون تحقیر یهودیان و ممانعت از مشارکت آنها در جامعه‌ی اروپایی نوین، به آن نسبت داده است. در چنین شرایطی تأکید بر آنیکونیسم در راستای حفظ هویت یهودی و دفاع از سنت‌های آن بوده است.

از آنجا که سنت‌های مذهبی - باستانی یا مدرن- زمانی بهتر درک می‌شوند که فرهنگ بصری آنها را در نظر بگیریم، یهودیت فاقد هنر و در واقع «نوع خاصی از هنر» با هدفی که تاریخ هنر به‌دنبال آن بود، ارزیابی شد. درحالی‌که منتقدان فرهنگ یهود از یک‌سو، هنر یهودی را انکار می‌کردند، متفکران یهودی از سوی دیگر در پی اثبات هنر یهودی، بدون زیر سوال بردن اصل آنیکونیسم بودند. و در واقع همچنان بر ممنوعیت

1. Balbi, *Iconoclasm uninterred*, p.45.

تصویر به‌عنوان ویژگی مهم فرهنگ و هنر یهودی اصرار می‌ورزیدند.

آنیکونیسم در قرن بیستم به‌عنوان یک ویژگی مهم هویتی در تاریخ یهود با تحولات سیاسی روز و نتایج فرهنگی آن همگام شد و وجهه‌ای جریان‌ساز در هنر مدرن پیدا کرد. سوگیری‌های حوزه‌ی تاریخ هنر علیه هنر و فرهنگ یهودی، علی رغم ایجاد چالش‌های متعدد، نتایج مثبت فرهنگی و سیاسی برای خودِ یهودیان در پی‌داشت. و البته تأثیرات قابل‌توجه آن بر هنر قرن بیستم نیز غیرقابل انکار است؛ همان عاملی که باعث جدایی قوم یهود از سایر ملل فرض می‌شد، در نگاه متفکران یهودی در دوران مدرن، پل و پیوندی میان یهودیت و جامعه جهانی به‌شمار آمده است.

فهرست منابع

*کتاب مقدس

- Adler,Amy, (2013),'The First Amendment and the Second Commandment', 57 *N.Y.L. Sch. L. Rev*. 41, pp.42-58
- Aktor, Mikael, (2020),'Aniconicity and Aniconism', in: Koch, Anne & Wilkens, Katharina, *The Bloomsbury handbook of The Cultural and Cognitive Aesthetics of Religion*, London, NewYork, Bloomsbury Publishing Plc
- Balbi, Camilla, (2020),'Iconoclasm uninterred. The Jewish roots of American abstract Expressionism', *Rivista di diritto delle arti e dello spettacolo*, 2020, issue 1, 39-56
- Berlejung, Angelika (2009*),* 'Aniconism',*Encyclopedia of the Bible and Its Reception 1*, Berlin/New York
- Bland, Kalman P., (2000), *The Artless Jew: Medieval and Modern Affirmations and Denials of the Visual*, Princeton University press
- Braiterman, Zachary J, (2012), 'The Emergence of Modern Religion: Moses Mendelssohn, Neoclassicism, & Ceremonial Aesthetics', in: Wise, Christian & Urban, Martina, *German-Jewish Thought Between Religion & Politics*, Vol.60, De Gruyter
- Cohen, Richard I., (2001), 'Representation of the Jewish body in modern times', in: Assmann, Jan & Baumgarten, Albert I., *Representation in Religion*, Cambridge, pp.237-277
- Epstein, marc michael, (2018),'Jews, Judaism and the visual Arts', in: Johnuathan Karp, *the Cambridge history of Judaism*, vol.7, pp.706- 71
- Fine, Steven, (2014), 'Lernen to see: "Modernity", Torah, and the study of Jewish "Art" ', *Milin Havivin*, N.7, pp. 24-35
- Gaifman, Milette (2017), 'Aniconism: definitions, examples and comparative Perspectives', *Religion*, Vol. 47, N. 3, pp.335–352

– Gutmann, Joseph, (1961), '"Second Commendment" and The Image in Judaism', *Hebrew Union College Annual*, Vol.32, pp.161-174
– Hendel, Ronald S., (1997), 'Aniconism and Anthropomorphism in Ancient Israel', in: Karel van Der Toorn ,*the Image and the Book, Iconic Cults, Aniconism & the Rise of Book Religion in Israel & the Ancient Near East*, Peeters, Leuven, pp.205-228
– Jospe, Eva, (2013), *Encounters in Modern Jewish Thought, vol.1: Martin Buber*, Academic Studies Press
– Judge, Thomas, Anthony, (2016), *The Relationship Between the Worship of Other Gods and the Worship of Idols within the Old Testament*, Submitted as a thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, Department of Theology, University of Durham
– Kang, S.I., (2018), 'in Search of the Origins of Israelite Aniconism, *Acta Theological*, 38(1):84-98
– Kant,Emmanuel, (۲۰۰۱), *Critique of the Power of Judgment*, translated by Paul Guyer and Eric Matthews, Cambridge, University Press.
– Halbertal, Moshe & Margalit, Avishai, (1992), *Idolatry*, Translated from Hebrew by Naomi Goldblum, Harvard University Press
– Meyer, Brigit, Stordalen, Terje, (2019), "Introduction*": Figurations and Sensations of the Unseen in Judaism, Christianity and Islam*, London, Bloomsbury Academic
– Mattic, Paul, (2003), *Art & its Time*, London, Routledge
– Mitchell, W.J.Thomas, (1986), *Iconology: Image, Text, Ideology*, University of Chicago
– Nagelsmit, Eelco & Carile, Maria Cristina, (2015), "Iconioraphy, Iconology" in: *Encyclopedia of the Bible and Its Reception*, Berlin: De Gruyter. pp. 777-783
– Neis, Rachel, (2015), 'Religious Lives of Image-Things, Avodah Zarah, and Rabbis in Late Antique Palestine', *Archiv für Religionsgeschichte*, 2015, pp. 91-121

– Pelli, Moshe (2010), *Haskalah and beyond, the Reception of the Hebrew Enlightenment and the Emergence of Haskalah Judaism*, University Press of America
– Raphael, Melissa, (2009), *Judaism and the Visual Art*, Continuum International Publishing Group, London
– Rosner, Brian S., (1999), the concept of Idolatry, *Themelios*, 24.3, pp.21-30
– Sax, Benjamin E., (2014), 'Aesthetics, Jewish Philosophy, and Post-Holocaust Theology', *Journal of Jewish Thought & Philosophy*, 22, pp. 80-99
– Schwarzschild, Steven, (1975) The Legal Foundation of Jewish Aesthetics, *The Journal of Aesthetic Education* , Vol. 9, No. 1
– Solomon, Solomon J., (1901), 'Art and Judaism', *The Jewish Quarterly Review*, Vol.13, No.4, pp. 553- 566
– Solomon, Norman, (2015), 'Attenuation of God in Modern Jewish Thought', *Melila/ Journal of Jewish studies*, No. 12, pp. 97- 109
– Stein, David E.S, (2008), 'On Beyond Gender: Representation of God in the Torah and in Three Resent Renditions into English', *Nashim*, 15, pp.108-137
– Sutcliffe, Adam, (2006), Judaism and the Politics of Enlightenment, *American Behavioral Scientist*, Vol. 49 ,N.5, pp. 702-71
– Uehlinger, Christoph, (2019), 'Beyond Image Ban and Aniconism', in: Meyer, Brigit, Stordalen, Terje, *figuration and sensation of the unseen in Judaism, Christianity and Islam*, Bloomsbury Academic, London, pp. 99-123
– Uehlinger, Christoph, (2022), 'Visual culture and Religion in Ancient Israel and Judah', in: Keimer, Kyle H, *The Anceint Israelite World, Routledge*, pp. 434- 464
– Webster, Merriam, (2009), *Elementary dictionary*, Boston Public Library